

به نام خدا

# بررسی نقوش بافته های دوره ایلخانی

مؤلف :

مرضیه باقری قهفرخی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

[Chaponashr.ir](http://Chaponashr.ir)

سرشناسه : باقری قهفرخی ، مرضیه ، ۱۳۶۸  
عنوان و نام پدیدآور : بررسی نقوش بافته های دوره ایلخانی / مولف مرضیه باقری قهفرخی  
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو ( سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.  
مشخصات ظاهری : ۱۰۰ ص.  
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۴۵۱-۵  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
یادداشت : کتابنامه.  
موضوع : بررسی نقوش بافته - دوره ایلخانی  
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳  
رده بندی دیویی : ۵۵/۶۶۸  
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸  
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : بررسی نقوش بافته های دوره ایلخانی  
مولف : مرضیه باقری قهفرخی  
ناشر : انتشارات ارسطو ( سازمان چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : پروانه مهاجر  
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴  
چاپ : زبرجد  
قیمت : ۱۰۰۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :  
<https://:chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۴۵۱-۵  
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست

۷	مقدمه
۹	فصل اول: سلسله ها مکاتب نگارگری شاهنامه ها
۱۰	سلسله ی تیموری
۱۱	سلسله ی صفوی
۱۲	مکتب تبریز در دوره مغول
۱۴	مکتب شیراز
۱۵	ویژگی های مکتب شیراز
۱۶	مکتب هرات
۱۷	مکتب تبریز در دوره صفوی
۲۱	شاهنامه دموت
۲۲	شاهنامه ۷۳۳ ه . ق
۲۴	شاهنامه بایسنقری
۲۵	شاهنامه ی شاه طهماسبی
۲۷	فصل دوم: بررسی نگاره های رزمی در شاهنامه ها
۲۸	رزم بهرام گور با اژدها
۲۹	جنگ اردشیر با اردوان و کشته شدن اردوان
۳۰	کشتن گشتاسب گرگ را

- ۳۳..... کشته شدن سهراب از رستم
- ۳۸..... صحنه های از شاهنامه
- ۳۹..... دنبال کردن اسفندیار گرگسار را
- ۳۹..... کشتن اسفندیار ارجاسب را
- ۴۱..... کشتن سیاوش را افراسیاب
- ۴۴..... جنگ بزرگ کیخسرو با افراسیاب
- ۴۶..... رستم قلعه بیداد را خراب می کند
- ۴۸..... کشته شدن شیده به دست کیخسرو
- ۴۹..... اهرام چوبین ساوه شاه رامی کشد

## **فصل سوم: لباس رزم در نگاره های شاهنامه ..... ۵۱**

- ۵۱..... نبرد بهرام گور با اژدها
- ۵۳..... جنگ اردشیر با اردوان و کشته شدن اردوان
- ۵۵..... کشتن گشتاسب گرگ را
- ۵۷..... کشته شدن سهراب از رستم
- ۶۰..... صحنه های از شاهنامه فردوسی
- ۶۳..... دنبال کردن اسفندیار گرگسار را
- ۶۵..... کشتن اسفندیار ارجاسب را
- ۷۰..... کشتن سیاوش را افراسیاب
- ۷۴..... جنگ بزرگ کیخسرو با افراسیاب

۷۶	گروه افراسیاب:
۷۷	رستم قلعه بیداد را خراب می کند
۸۲	کشته شیده به دست کیخسرو
۸۵	بهرام چوبین ساوه شاه را می کشد
۸۸	نتیجه گیری:
۹۰	گزارش کار عملی:
۹۵	فهرست منابع:
۹۷	فهرست نشریات:
۹۸	فهرست منابع اینترنتی:
۹۹	فهرست تصاویر:



## مقدمه

لباس رزم یکی از معدود نمونه‌های لباس‌های تخصصی و کاربردی جامعه کهن بوده که در قالب آن باورها و اندیشه‌های انسانها به مرگ و زندگی، شناخت آنها از فیزیک بدنی انسان و نگاه آنها به مسایل مذهبی به هم پیوند خورده است. هنر ایرانی مجموعه عظیمی از این آثار را در قالب جنگ، افزارها، سلاح‌ها، لباس‌ها برجای نهاده است. موضوع پایان نامه حاضر بررسی سیر تحول لباس رزم، با اتکا به نگاره‌های شاهنامه از دوره ایلخانی تا دوره صفویه است. دلایل انتخاب شاهنامه تمرکز آن بر روی بعد حماسی ادبیات و زندگی ایرانی است و به همین دلیل نگارگرانی که سعی در به تصویر کشیدن این حماسه داشته‌اند، بناگزیر باید موضوع ترسیم لباس رزم را مورد توجه قرار داده و به تناسب آن دانش تاریخی خود و نمونه‌های معاصر خود را ترکیب نموده و هنری باور پذیر خلق نمایند که امروزه برای ما مصدر مطمئنی برای شناخت لباس این دوره‌ها محسوب می‌شود.

هدف از موضوع توصیف لباس رزم در دوره اسلامی با توجه به نسخه‌های مصور گوناگون از شاهنامه است. سئوالات قابل طرح در این زمینه شامل موارد زیر است:

- آیا نگاره‌های شاهنامه با شرایط زمانی داستان منطبق یا تصویرسازی‌ها ذهنی بوده و به واقعیت نزدیک نیست؟
- لباس‌های مندرج در هر دوره تا چه حدی برای طراحان نگاره‌ها بعنوان منبع الهام مورد استفاده قرار گرفته‌اند؟

از اینرو، در فصل اول ابتدا به مختصری در مورد تاریخ سلسله‌ها، مکاتب نگارگری و شاهنامه‌های مهم هر دوره پرداخته شده است. فصل دوم سه صحنه از هر مکتب را انتخاب کرده و به توصیف صحنه‌های رزمی با توجه به آن چه در کتب آمده پرداخته شده است و در فصل سوم به بررسی لباس‌های رزمی در صحنه‌های منتخب پرداخته شده‌است. از جمله مشکلات پژوهش می‌توان به عدم وجود منابع نوشتاری درباره این لباس‌ها سخن گفت که موجب اتکای پژوهش به منابع دیداری شده‌است. این امر نیز بواسطه کمبود منابع تخصصی مربوط به پوشاک به ویژه پوشاک نظامی است.

جهت گردآوری منابع با توجه به عدم همکاری موزه های مرتبط به خصوص کاخ گلستان، از مطالب موجود در کتابخانه صنایع دستی و همچنین دانشگاه ، کتابهای معرفی شده توسط استاد راهنما و سایتها توانستم مطالبم را جمع آوری کنم . در فصل سوم و از بعد تحلیل، مجموعه دروس گذرانده شده در زمینه تاریخ لباس به من کمک قابل توجهی نمود.

## فصل اول

### سلسله ها مکاتب نگارگری شاهنامه ها

#### سلسله ی ایلخانی

هلاکو کشورگشای مغول، که در سال ۱۲۵۸م (۶۵۵ ه.ق) بغداد را ایلغار کرد اولین شاه از سلسله ی شاهی بود که به ترتیبی کمابیش بی واسطه دودمان ایلخانیان را تشکیل می دادند و تماسهای سیاسی و فرهنگی آنها با مغولستان و یوآنهای چین دست نخورده اما در درجه ی دوم اهمیت باقی ماند. با شروع سلطنت غازان خان (سلطنت ۱۲۸۵-۱۳۰۴ م/۶۸۳-۷۰۳ ه ق ) این شاهان به اسلام گرویده در پایتخت کما بیش دائم خود در تبریز واقع در آذربایجان ایران مستقر شدند . دیگر شهر های عمده ی ۱۳۰۷ م (۷۰۶ ه ) در شمال فلات ایران پی افکنده شد . و بغداد که کمتر از یک نسل پس از ویرانی شکوه خود را دوباره به دست آورده بود. قبلا به خصائص بیتای وزیر اعظم ایلخانیان، رشید فضل الله اشاره شد و این احتمال هست که حامیان دیگر، اعم از شاهان و جز آنان به مدت قریب به نیم قرن در باسازی و رشد اقتصادی ایران دخیل بوده باشد. کشمکش های بعضا خونین میان اعضای خاندان حاکم ، ملازمان آنها فئودال های بزرگ بودند و خدمتگزارانشان ، نه مانع رشد ثروت در ممالک شدند نه ارتباط با جهان اورسیا ، از چین گرفته تا حکومت پاپ ها در غرب اروپا را قطع کرد . به آسانی میتوان تبریز این دوران را شهری شلوغ ، شکوفا ، جهانگرا و گشاده به روی همه نوع تاثیرات مجسم کرد. حکومت متوالی چند خان مهم پس از غازان، اولجایتو (سلطنت ۱۳۰۴ - ۱۷۱۳ م / ۷۰۳ - ۷۱۶ ه ق ) و ابو سعید با مرگ ابو سعید که هیچ وارث توانایی برای به دست گرفتن شاهی نداشت به سال ۱۳۳۵ به پایان رسید و یک دوره هرج و مرج سیاسی در پی آمد.

(گراپر، ۱۳۸۳، ص ۴۷-۴۸)

### سلسله ی تیموری

تیمور و اسپین فاتح بزرگ آسیای مرکزی بود. وی بر اثر صدمه ای که در یورش بر او وارد شده بود لنگ نامیده می شد و به همین دلیل در اروپا با عنوان "تیمور لنگ" شناخته می شود. او در ۷۳۷/۱۳۳۶ در کیش نزدیک سمرقند به دنیا آمد منطقه ای که مردمش ترکیبی از نژادهای ترکمن و مغول بودند. تیمور از اعضای قبیله ای دربار لاس از قبایل تحت حاکمیت چغتای بود. او که پیش از این در تصرف مناطقی چون کیش و سمرقند مشارکت داشت، در سال ۷۷۲/۱۳۷۰ همراه با همسر چنگیزی خویش سارا ملوک خانم صاحب تاج و تخت شاهی بلخ شد. در دوره ای ده ساله، لشکرکشی های محلی تیمور بر سرزمین های مغولستان و خوارزم (مناطق مغولی میان دریایچه ی بالخش و تین شان) معطوف شده بود. از سال ۷۸۳/۱۳۸۱ او حملاتش را در سرتاسر قفقاز، ایران، عراق و سوریه گسترش داد. بغداد در سال های ۷۹۶/۱۳۹۳ و ۸۰۴/۱۴۰۱ و دهلی در سال ۸۰۱/۱۳۹۸ به تصرف وی درآمدند و سلطان بایزید اول عثمانی در ۸۰۵/۱۴۰۲ در آنکارا از وی شکست خورده، مغلوب وی شد. تیمور در فاصله یورش هایش، گنجینه های ثروت، دانشمندان و صنعتگران ماهر را به منظور غنا بخشیدن به پایتختش، به سوی سمرقند روانه ساخت. توصیفی روشن و واضح از زندگی مجلل و شاهانه در سمرقند توسط کلاویخو سفیر و نماینده شاه لئون و کاستیل در سال ۸۰۷/۱۴۰۴ تهیه شد و در دسترس قرار گرفت. تیمور در سال ۸۰۸/۱۴۰۵ در آترار هنگامی که قصد حمله به چین را در زمستان داشت، مُرد.

جانشینی امپراطوری تیمور توسط پسرش شاهرخ محقق شد. او حاکم هرات بود اما نه او و نه دیگر تیموریان نتوانستند تمامی قلمرو تیموری را در تصرف داشته باشند. شاهرخ با حمایت همسر مقتدرش گوهرشاد، تا سال ۸۵۱/۱۴۴۷ در هرات حکومت کرد. تحت حمایت و تشویق دربار، هنرها به گونه ای بی سابقه شکوفا شدند در طی این دوران الغ بیگ، پسر شاهرخ حاکم سمرقند بود. فارس در ابتدا زیر نظر پسر برادر شاهرخ، اسکندر و سپس تحت حاکمیت پسرش ابراهیم بود. اما در میانه ی سده ی پانزدهم منطقه غرب ایران (بخشی تسلیم شده و بخشی مغلوب شده) در دستان یک گروه از ترکمانان، قراقویونلو (مردمان گوسفند سفید) سرنگون شدند. آق قویونلوها در تبریز مستقر شدند و حکومت ایشان تا پایان سده ی تا زمانی که به سبب هرج و مرج و آشفتگی منحل شد و تا زمان جانشینی آن ها به سبب ظهور و پیدایش صفویان تداوم یافت. در سرزمین های شرقی، شاهزادگان تیموری بر سر به دست گرفتن و تصاحب هرات،

کشمکش و درگیری داشتند. در سال ۸۷۵/۱۴۷۰ حسین بایقرا که با اسکندر، نژاد تیموری مشترکی داشت، هرات را در دست گرفت. در این دوران هرات بهره مند و برخوردار از دومین دوره ی رفاه، رونق و شکوه خلاقانه خود بود. سلطان حسین در ۹۱۲/۱۵۰۶ مرد و در سال بعد هرات به دست ازبکان - از دو نژاد ترک و مغولی - افتاد. در روزهای واپسین حکومت تیموری، بابر شهر هرات را مورد بازدید قرار داد، وی شاهزاده ای تیموری بود که در تنگدستی و مضیقه ی مالی، سلسله مغولان هند (گورکانیان) را تأسیس نمود. (شایسته فر، ۱۲۴۱۳۸۵-۱۲۵)

### سلسله ی صفوی

ایران از سال ۸۵۰ ه، سال مرگ شاهرخ تیموری، عملاً به دو بخش مهم شرقی و غربی تقسیم شد. در غرب ایران، عثمانیان با براندازی امپراتوری دیر آهنگ بیزانس بر دامنه ی متصرفات خود افزودند.

در این دوره که ترکمانان، تیموریان، عثمانیان و ممالیک قدرت فائقه ی سرزمینهای اسلامی از شرق بسفر تا غرب پامیر بودند، در یکی از شهرهای دور افتاده ی آذربایجان، یعنی اردبیل، یکی از خاندانهای متنفع مذهبی، نقشی قاطع در روند تحولات این سده بر عهده گرفت.

طریقت صفوی در اثنای سده ی هشتم و نهم هجری بر ثروت و شوکت خود افزود و مشایخ این طریقت در نیمه ی دوم سده ی نهم هجری گستره ی تبلیغات و دعوتشان را با تشبث به جهاد علیه کفار تا دل سرزمینهای آناتولی بسط دادند. طریقت صفوی با قتل پیاپی جنید و حیدر و علی، مشایخ آن، در نیمه ی دوم سده ی نهم هجری به دست شروانشاهان و ترکمانان آق قویونلو، هر چه بیشتر بیان سیاسی پیدا کرد و در پی بهره برداری از تحولات سیاسی آینده بر آمد.

ایران پس از برافتادن ایلخانان و بر آمدن صفویان، تقریباً به مدت ۲۵۰ سال فاقد انسجام سیاسی و مرزهای ثابت بود. این دوره ی تقریباً دو قرن و نیمی در حقیقت دوره ی تعامل اسلام مردمی، تصوف و تشیع نیز بود. صفویان این سه عنصر را در هم تنیدند و طریقت صوفیانه ی را به صورت نهضت انقلابی شیعی در آوردند و با یاری قزلباشان شرق آناتولی و آذربایجان، نظام سیاسی مقتدری پدید آوردند که در مدتی کوتاه سرزمین ایران را تحت سیطره ی خود در آورد.

صفویان با رسمیت بخشیدن به تشیع، نظریه ای را پدیدار ساختند که نه تنها بر قوت و قوام دولت آنها افزود، بلکه مفهوم جدیدی از هویت ملی را نیز ظاهر ساخت و ایران را از استحاله در امپراتوری پیرامون خود یعنی عثمانی و یا مغولان اعظم نجات داد.

صفویان ایران را به کانون تشیع و سنتهای فرهنگی و خود آگاهی ایرانیان تبدیل کردند. این تشیع نه بر فرهنگ عربی، بلکه بر فرهنگ ایرانی - ترکی استوار بود.

افق دید سر کردگان صفوی وسیع بود. اسماعیل (حک: ۹۰۶ - ۹۳۰ ه) نخستین شاه صفوی، لقب پادشاه ایران بر خود داد که مفهوم آن قلمرو جغرافیایی وسیعی از افغانستان امروزی تا فرات، از جیحون تا خلیج فارس را در شمول خود داشت. سلطنت دیر آهنگ تهماسب (حک: ۹۳۰ - ۹۷۳ ه) فرزند اسماعیل، نقش و سهم ایران را در منطقه و در مقابله با امپراتوریهای موجود تثبیت کرد و سلطنت عباس اول (حک: ۹۹۶ - ۱۰۳۷ ه) نوه ی تهماسب، با ایجاد سپاهی ثابت و تشکیلاتی استوار، ایران را در شا هراه شکوه و شکوت انداخت و بنیادهای دولت مدرن آن را پی افکند. (آژند، ۱۳۸۹، ص ۴۸۱ - ۴۸۲)

### مکتب تبریز در دوره مغول

در اوایل قرن هفتم، کشور ما مورد تاخت و تاز قبائل مغولی آسیای مرکزی قرار گرفت و بیشتر سرزمینهای ایران به دست ایلخانان مغول افتاد. این فاتحان صحرا گرد در آغاز به هر منطقه ای که

می رسیدند، آنجا را ویران می کردند، ولی بر اثر آشنایی با فرهنگ و هنر ایران و نفوذ اسلام، خوی کشتار و ویرانگری را فرو گذاشتند و دین اسلام را پذیرفتند، تا جایی که امیران مغول خود از هوا خواهان فرهنگ و هنر ایران شدند و صنایع و هنرهای ایران در سرزمینهای وسیعی که تحت سلطنت مغولان بود گسترش و رواج یافت. در این زمان، بسیاری از هنرهای ایرانی از جمله معماری و تزئینات وابسته به آن و نقاشی، درخشش فوق العاده یافت. ما در این عصر شاهد خلق آثاری در زمینه نقاشی هستیم، که جزو عالیترین شاهکارهای هنری جهان محسوب می گردد.

در این دوران ربع رشیدی در تبریز احداث گردید و هنرمندان از گوشه و کنار کشور و حتی کشورهای همجوار راهی تبریز شدند.

از همین جا، پایه مکتب تبریز در نقاشی ایرانی پی ریزی شد. ارتباط ایلخانان مغول با اقوام خود در کشور های دیگر از جمله چین، باعث نفوذ برخی از عناصر نقاشی چینی در نقاشی ایران شد. این عوامل عبارت از ابرهای موج کنگره دار و داخل هم، تنه گره دار بسیار پیچیده درختان، صخره های بلند و قله های نوک تیز و دشتهای بریده و مقطع و به طور کلی نوعی منظره پردازی ناهمگن با نقاشی ایران، که با خصوصیات نقاشی مغول تلفیق شده است. در این دوره ارتباط پاره ای از امیران مغول با دیانت مسیح و حضور تعداد افراد مسیحی در دربار، راه را برای نفوذ عناصر نقاشی بیزانس باز کرد. حضور این عناصر را می توانیم در نمایش چین و شکن لباس ها و بکارگیری سایه روشن در آن مشاهده کنیم.

هنر نقاشی مکتب تبریز ضمن در بر داشتن نقاشی چینی و بیزانس یک هنر کاملا مستقل و متفاوت با نقاشی چینی و بیزانسی است.

در این دوره هنرمندان با ذوق و خلاق ایرانی با پذیرش عناصر جدید که به آثارشان ترکیب دیگری می داد، چنان این عناصر تازه را در میان تار و پود هنر نقاشی ایرانی مشخص نمود. در این دوره نیز عناصر نقاشی چینی مانند ابرهای غیر مشخص جای خود را به طرحهای منظم و شبیه تاج گل داد و برگهای ظریف و دقیق، جای مناظر محو شده را گرفت. کوهها و صخره های نقاشی مکتب یوان چین که حالت برندگی و تیزی داشت با حالتی موج تر به شیوه ی ایرانی طراحی گردید و آثار تک رنگ و منو کرم جای خود را به نقاشی های با رنگ های زنده و درخشان بخشید. حتی گاهی زمینه خالی نقاشیهای خود را با استفاده از گل و گیاه پر کردند تا خود را از تقلید نقش ابرها و کوههای چینی رها کنند.

به طور کلی خصوصیات نقاشی عصر مغولی مکتب تبریز عبارت از پرتحرک تر شدن انسان ها و حیوان ها، درشتی و نازکی خطوط و چین و شکن لباس ها، به کارگیری صحنه های پر جمعیت تر، استفاده از رنگ های بیشتر و ترکیب آنکه به خصوصیات نقاشی بغداد و نقاشی های دوران سلجوقی افزوده شده است.

از اواخر قرن هشتم هجری، نفوذ ایلخانان مغول به تدریج کاهش یافت و در همان زمان جلایریان تبریز را تصرف کردند. نقاشی در دوره جلایریان، در دو مرکز تبریز و بغداد رواج یافت که از هر جهت پیشقدم نقاشی دوره تیموریان مکتب هرات است.

خصوصیات نقاشی دوره جلایریان در تبریز و بغداد وجه تمایز آن با نقاشیهای مکتب تبریز عهد مغول، کوچک شدن تصاویر انسان است که تابع نقش منظره، طبیعت و مناظر نقاشی شده در اثر می باشد. در مجموع آثار مکتب تبریز مغول و جلایریان میتوان به سه دسته تقسیم کردند.

دسته اول آثاری است که تحت تاثیر هنر نقاشی چینی قرار داشت و بیشتر عناصر آن چینی است.

دسته دوم آثاری است که با بکارگیری پاره ای عناصر نقاشی چینی و عناصر نقاشی ایرانی در هم آمیخته و آثاری به وجود آورده اند که با حفظ سنت نقاشی ایرانی، نفوذ عناصر نقاشی چینی در آن مشخص است.

دسته سوم را آثاری تشکیل می دهد که صرفا ایرانی است و اگر از عناصر نقاشی چینی یا بیزانسی استفاده شده است آن عناصر را با ذوق خلاق ایرانی در هم آمیخته و اثری از نفوذ عوامل بیگانه در آن دیده نمی شود. (زکی، ۱۳۷۲، ص ۷۷)

### مکتب شیراز

شیراز که زمانی مرکز ایالت پارس و قلب امپراتوری هخامنشی بود در زمان حمله ی مغولان صحرا گرد با دادن پیشکش ها و رشوه ها از حمله ایشان در امان ماند. با حمله ی تیمور، شیراز به تصرف تیموریان در آمد، خاندان اینجو (حاکمان شیراز) که زیر نظرایلخانان حکومت می کردند پس از مرگ ابوسعید مستقل گردیدند.

اینان که از حامیان هنر و فرهنگ ایرانی بودند، موجبات تشویق هنرمندان را فراهم کردند. هنرمندان که از حمله ی مغولان به امنیت شیراز پناه برده بودند مکتب شیراز را بنیان نهادند. هنرمندان مکتب شیراز در این روزگار پیش از آنکه در اندیشه ی نشان دادن ذوق و هنر خود باشند به مقابله با هر گونه تسلط هنری قوم بیگانه قد علم کردند. ایشان تمام ذوق و هنر خود را در قالب نقاشی معماری، کاشیکاری و ... در زیر چتر حمایت دشمن فاتح به کار گرفتند. تا هر چه با شکوه تر هنر سنتی خود را حفظ نمایند. (تجویدی، ۱۳۵۲، ص ۹۶)

سهم اقلیم پارس و هنرمندان و اندیشمندان زاده ی این، آن چنان در ایام بعد از سلطه ی مغولان (در حفظ و نگاهداشت هنر ایران و تفکر هنری و فرهنگی ایرانیان) والا و بالاست. که به هیچ تردیدی، می توان ادعا کرد که اگر در ایام بعد تسلیم و تقلید ناگزیر هنر ایرانی، هنرمندان صاحب ذوق و همتی سزاوار نمی کردند، چه بسا که سرنوشت هنر ایران را به تبعیر و تفسیر دیگری بایست نشست. (امامی، ۱۳۷۴، ص ۲۳)

بدین منوال در شیراز (در نیمه نخست سده هشتم) مکتبی هنری پایه ریزی شده بود که سنن نقاشی پیش از مغولان (سده ۶-۷) را حفظ کرده و ادامه داده بود، و از لحاظ وحدت سبک کار استحکام بسیار داشت. در آغاز سال های ۷۰ سده ی هشتم در هنر تصویری شیراز و نقاشی های مورخ ۷۷۰ ه (موزه توپقاپوسرای، استامبول) اصول جدیدی را در ساختمان فضا می بینیم. فضا از پایین به بالا فراز می آید. قبلا این اصل در مکتب تبریز به کار می رفت، لیکن این ابداع در شیراز به طرز خلاقه درک گردید و با نظام دو بعدی اکید که در آنجا غالب بود وفق داده شد. البته مکتب شیراز در تحول ذاتی اش آمادگی چنین گامی را داشت. (مقدم اشرفی، ۱۳۷۶، ص ۳۱)

ضمنا در نقاشی های مکتب شیراز خط افق غالباً در بالای قطعه طراحی می گشته و مکان اندکی برای نمایش آسمان باقی گذاشته است. (تجویدی، ۱۳۵۲، ص ۱۱۷)

### ویژگی های مکتب شیراز

از ویژگی های نقاشی های این دوره به کار بردن رنگ های روشن است. فیگورها درشت اندام و فربه هستند. سرها بزرگ نشان داده شده و درختان تناور و برگ های سبز زمین تصاویر را پر کرده اند. (حاتم، ۱۳۷۴، ص ۲۱۳)

رنگ آمیزی موزون و کمی مات، سادگی آمیخته با ظرافت و به کار رفتن حداقل عوامل ریزه کاری در عین نمایش حداکثر گویایی از ویژگی های نمایش شیراز به شمار می آید. (تجویدی، ۱۳۵۲، ص ۱۱۸)

در نقاشی های مکتب شیراز، موضوع اصلی انسان است و عناصر دیگر، تابع نقش و تنها به عنوان تزئین و پر کردن فضا های خالی تصویر به کار گرفته شده اند. علاوه بر آن عناصر دیگری مانند